



نشانه‌هایی برای بودن و ماندن

احد گودرزبانی*

اما نشریه و مجله داشتن برای یک موضوع، نشانه دغدغه بیشتر و به‌روزتر درباره آن و اهمیت انتشار سریع‌تر دیدگاه‌ها و دریافت‌های پژوهشی برای به‌تحرك واداشتن ابعاد آن موضوع تاریخی و مقابله با رخوت جست‌وجو و پژوهش در این زمینه. البته این روزها حتی کاغذ و چاپ نیز مانعی برای این حرکت فرض شده و به‌عنوان نمونه، یکی از معدود پژوهشگران حوزه‌های موضوعی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دیگر دربند انتشار دریافت‌ها و برداشت‌های خود در قالب یک مقاله یا یادداشت در یک نشریه که حداقل باید فراز

نشریه‌های دارای ترتیب انتشار کوتاه‌مدت یا به‌عبارت‌عمومی‌تر، مجله‌هایی که پیوسته و مستمر درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران منتشر شوند، کم‌اند. در برابر موضوع‌هایی که به‌مرور تاریخی می‌شوند، چنین اتفاقی طبیعی به‌نظر می‌رسد. به‌هرحال حجم موضوع‌های روز، آن‌قدر هست که سایه‌ای را در برابر موضوع‌های تاریخی ایجاد کنند. البته جامعه ما تلاش دارد تاریخ و فرهنگ دفاع مقدس را به‌فراموشی نسپارد و حجم کتاب‌هایی که در این باره منتشر می‌شوند، گواه چنین دغدغه‌ای هستند. همچنان که نشانگر این نیز هستند که کتاب، ظرف پایدارتری برای این موضوع دیده می‌شود.

* نویسنده و روزنامه‌نگار جنگ



احد گودرزیانی نویسنده و روزنامه‌نگار جنگ

پی‌درپی موضوع‌هایی از جنگ رصد و بازنگری شده‌اند. نقطه اشتراک محتوای نگین ایران چه در شماره یک و چه در شماره ۵۳ تکیه بر دارایی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. از هر منظر که به این مجموعه بنگریم می‌بینیم که بخش قابل توجهی از اطلاعات و اسناد فرماندهی دفاع مقدس در این مرکز نگه‌داری می‌شود و در سال‌های اخیر با فراگیر شدن استفاده از قالب تاریخ شفاهی، زمینه رجوع به شخصیت‌های آن اطلاعات و اسناد برای این مرکز امکان‌پذیرتر از مجموعه‌های دیگری است که دغدغه‌ای در زمینه تاریخ جنگ دارند.

همچنین بیشتر شماره‌های نگین ایران دارای یک موضوع محوری‌اند که معمولاً در نسبت با مناسبت‌های زمان انتشار و حساسیت‌های آن مقطع برای دست‌اندرکاران فصلنامه انتخاب شده‌اند؛ مانند فرماندهان دفاع مقدس، عملیات‌های دفاع مقدس، موضوع‌های تاثیرگذار بر جنگ و جنگ تحمیلی عراق

و نشیب‌های چاپ را پشت سر بگذارد، نمی‌ماند و آنها را در فضای مجازی و به سرعت منتشر می‌کند و بازتاب و بازخورد فوری آن را می‌بیند که در ادامه فعالیت او بسیار موثر است.

رصد ناگفته‌های جنگ در «نگین ایران»

در نخستین سال‌های دهه ۱۳۸۰ شمسی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس که آن روزها مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ خوانده می‌شد، انتشار نگین ایران: فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق را آغاز کرد و تاکنون (بهمن ۱۳۹۴) و پس از بیش از یک دهه ۵۳ شماره آن تولید و منتشر شده است. بدون در نظر گرفتن فراز و فرودهای سرگذشت انتشار چنین نشریه‌ای، بودن چنین نشریه‌ای به یقین بهتر از نبودن آن است. این ظرف باعث تولید هزاران صفحه نوشته درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌شود و آنچنان که مطالب ۵۳ شماره منتشر شده نشان می‌دهند،

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را عمیق تر از ابراز احساسات مرسوم و رایج نسبت به آن دوران، به عنوان یک دغدغه تاریخی و تعهد و با توجه به سابقه ذهنی از آن ایام دنبال می کنند. آنها معمولاً به وقایع نزدیک اند و اطلاعاتی از آن ایام را در ذهن دارند، حتی نسبت به برخی از موضوعها و وقایع حساس اند و همین حساسیت موجب جلب توجه آنها می شود.

گروه دوم مخاطبان پژوهشگرانی اند که توقع می رود جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را از منظرهای گوناگون بکاوند. آنها این توقع را هم دارند که اطلاعات جنگ متناسب با پژوهشها در اختیارشان قرار گیرد. نگین ایران خود به خود در میانه این دو توقع نیز قرار گرفته است؛ از یک سو می تواند نیازی را برآورده کند و از سوی دیگر بازتاب این ارائه را هم نشان دهد؛ چنین شده یا نه، به نظرسنجی از جامعه مخاطب نشریه و ارزیابی بیشتر و گفتوگو با دست اندرکاران فصلنامه نیاز دارد. اما هر چه هست در ۵۱ شماره متنهای مستندی درباره دفاع مقدس منتشر شده و بهتر است دست اندرکاران هم بگویند چقدر از کارنامه خود راضی اند؟

بودن و ماندن و استمرار در این مسیر ارزشمند است، اما آفت و آسیب روزمرگی هم هست. به همین دلیل، استمرار، با تنوع و تازگی در کمیت و کیفیت موضوع مورد نظر، بسیار تاثیرگذارتر از آن که تصور می شود به نظر خواهد آمد و مخاطبان خاص و تخصصی هر محصول مکتوب را روز به روز اضافه می کند. این را هم هیچ وقت نمی توان از یاد برد که چنین رویکردی برای ادامه راه، به صرف زمان و تلاش و پیگیری و دلسوزی برای نتایج هر شما فصلنامه نیاز دارد و اینها در روزگار ما به سختی فراهم می شوند.

علیه ایران از منظرهای کلی (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و...). گاه ابعاد بیرونی یک اتفاق بیشتر مورد نظر بوده است و گاه ابعاد درونی آن؛ به هر حال این مسیر پیموده شده و تجربه ای باقی مانده است و براساس آن می توان برای آینده از روشهای دیگری استفاده کرد. مانند این که می توان برای فصلنامه نگین ایران محورهای موضوعی ای را برگزید که در پایان دوره های بعد، فارغ از پراکندگی ها، مسیر پژوهشی و مستندی مشاهده شود و مخاطب را به این یقین برساند که این مسیر با دقت و هدفمندی طراحی شده است.

هر نشریه یا رسانه ای، متناسب با نوع خروجی، از این نظر که چاپی یا مجازی منتشر و پخش شود، در میانه هدف و ایده آل خود از یک سو و مخاطب خود از سوی دیگر قرار دارد؛ اگرچه به نظر می رسد ما در دوره ای از مخاطب سالاری به سر می بریم که خرید و کلیک و پیامک، سرنوشت ساز است. اما ایستادن در نقطه طلایی این میانه، هنری است که به سادگی به دست نمی آید. نمی توان مخاطب را در نظر نگرفت، چون هر اثر برای مخاطبی منتشر می شود، حتی اگر این مخاطب یک نفر باشد و نمی توان هدف را جذب او به هر قیمتی دانست، چون این گونه مخاطبان خیلی زود از دست داده می شوند. سابقه نگین ایران نشان داده که بیشتر به هدف نظر دارد و مخاطب خود را خاص و تخصصی فرض کرده؛ هر دو این پیش بینی ها طبیعی به نظر می رسند. در خصوص هدف، واضح است که این فصلنامه در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس تولید و متناسب با شرح وظایف چنین مجموعه ای عمل می شود. درباره مخاطبان می توان از دو گروه توقع توجه بیشتری داشت: نخست گروهی که موضوعهای

